

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال نوزدهم / دوره جدید / شماره ۶۰ / پاییز و زمستان ۱۴۰۲
صص ۱۰۸-۱۲۱ (مقاله علمی - پژوهشی)

روایتهای سه‌گانه از روابط جمهوری اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر پس از بیداری اسلامی

• الناز سادات موسوی

دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین(ع) (نویسنده مسئول)
elnaz.mousavi7@gmail.com

• حجت اله نوری ساری

استادیار گروه تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه جامع امام حسین(ع)
noori1404@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۲

چکیده

مقاله حاضر به سه روایت درباره روابط ایران و اخوان المسلمین مصر پس از بیداری اسلامی می‌پردازد. با هدف پاسخ به این پرسش که روابط ایران و اخوان پس از وقوع بیداری اسلامی چگونه بوده و کدام یک از روایتها به شکل بهتری این رابطه را تبیین می‌نمایند؟ چارچوب نظری نوشتار، نظریه برجسته‌سازی است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به تبیین روایتها می‌پردازد. طبق نتایج تحقیق روایت اول به کاهش روابط تأکید دارد. روایت دوم طرفین را دوستان پنهانی می‌داند که به دنبال تسلط بر جهان اسلام‌اند. روایت سوم طرفین را دو قدرت مستقل می‌داند که در هنگام لزوم با یکدیگر متحد می‌شوند. طبق مستندات روایت سوم قرابت بیشتری با واقعیت دارد.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، اخوان المسلمین، مصر، بیداری اسلامی،
نظریه برجسته‌سازی، عربستان.



مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی

سال نوزدهم
شماره ۶۰ - پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقدمه

جنبشهای اسلامی در واکنش به توسعه طلبیهای استعمار غرب و در پاسخ به رشد اندیشه‌های غربی ناسیونالیستی، کمونیستی، و لیبرالی شکل گرفتند. اخوان المسلمین از جمله جنبشهای اسلامی است که در سال ۱۹۲۸م توسط حسن البنا^۱ با هدف مبارزه با استعمار جهانی و تشکیل خلافت اسلامی در مصر پایه‌گذاری شد (مهاجرنیا، ۱۳۹۶ش، ص ۴۳۵) این جنبش توانست دایره فعالیت‌های خود را به تدریج در دیگر کشورهای جهان اسلام گسترش دهد و با سایر جریانها و دولتهای اسلامی از جمله ایران ارتباط برقرار کند.

سابقه روابط ایران و اخوان المسلمین به دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد، زمانی که در سال ۱۳۲۵ش «جماعه التقرب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره توسط حسن البنا و شیخ محمد تقی قمی^۲ در مصر پایه‌گذاری شد (خسروشاهی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۹). فعالیت‌های جماعه التقرب بین المذاهب الاسلامیه سبب گسترش آوازه اخوان المسلمین در ایران شد به گونه‌ای که نواب صفوی^۳ در سال ۱۹۵۴م به قاهره رفت و به همکاری با اخوان المسلمین روی آورد (ابراهیم، ۱۳۶۴ش، ص ۱۵). نواب صفوی آن‌چنان تحت تأثیر اندیشه‌های اخوان المسلمین قرار گرفت که پس از گلایه مصطفی سباعی^۴ از پیوستن شیعیان به صفوف

ناسیونالیستها و لائیکها، در یکی از مراکز اسلامی مصر بالای منبر رفت و در حضور تعداد زیادی از مسلمانان شیعه و سنی این‌چنین سخنرانی نمود که «اگر کسی می‌خواهد جعفری واقعی باشد باید به صفوف اخوان المسلمین بپیوندد.» (ابراهیم، ۱۳۶۴ش، ص ۱۵) این امر نشان از عمق روابط جریانهای اسلام‌گرای ایرانی و اخوان المسلمین در دوره پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و اثرگذاری اخوان بر روی جنبش فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی دارد، به گونه‌ای که راشد الغنوشی^۵ جنبش فدائیان اسلام را امتداد اخوان المسلمین مصر در ایران می‌داند (الغنوشی، ۱۹۸۱م، ص ۸۳). چنان‌که شهادت نواب صفوی نیز رهبران جنبش اخوان المسلمین را شدیداً متأثر نمود.

علاوه بر همکاری و تعاملات نواب صفوی با اخوان المسلمین، حسن البنا و سید ابوالقاسم کاشانی^۶، به‌عنوان رهبران حرکت‌های اسلامی در مصر و ایران نیز با یکدیگر روابط دوستانه عمیقی داشتند. حسن البنا و کاشانی در جریان مراسم حج سال ۱۹۴۸م با یکدیگر ملاقات کردند که نتیجه آن، برنامه‌ریزی برای برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی در راستای ایجاد وحدت اسلامی در قاهره یا تهران بود که چگونگی اهداف آن در بیانیه منتشرشده توسط کاشانی تبیین شد؛ اما به علت ترور حسن البنا پس از بازگشت از حج، موضوع برگزاری این کنفرانس منتفی شد (خامه‌یار، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳۱). مؤید دیگری که اهمیت روابط جریانهای اسلام‌گرای ایران و اخوان المسلمین نشان می‌دهد سخنان عبدالمتعال جبری، شاگرد حسن البنا است. وی علت ترور حسن البنا را همین روابط

۵. راشد الغنوشی (۱۹۴۱م) رهبر جنبش اسلام‌گرای الهی‌هذه تونس که پس از وقوع بیداری اسلامی در تونس، به ریاست پارلمان این کشور انتخاب شد اما به دستور رئیس جمهوری تونس از ریاست پارلمان تونس برکنار شد و هم‌اکنون در ممنوع‌الخروجی به سر می‌برد.

۶. سید ابوالقاسم کاشانی (۱۳۴۰-۱۲۶۴) فقیه و سیاستمدار ایرانی، سال‌های متمادی در عراق علیه استعمار انگلیسیها مبارزه می‌کرد و در جریان ملی‌شدن صنعت نفت در ایران به مبارزات ضد استعماری خود ادامه داد.

۱. حسن بن أحمد بن عبدالرحمان البنا (۱۹۴۹-۱۹۰۶م) بنیان‌گذار جمعیت اخوان المسلمین از مصلحان اجتماعی و دینی معاصر است که تأثیر بسیار عمیقی بر اندیشه‌های اسلامی در سده ۲۰ میلادی گذاشت.

۲. محمد تقی قمی (۱۳۶۹-۱۲۸۹) در سال ۱۳۲۰ به همراه برخی از عالمان شیعی و سنی «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه» را تأسیس و در راستای اعلام عقاید وحدت‌گرایانه، مجله‌ای با نام رساله الإسلام را چاپ کرد. تلاش‌های محمد تقی قمی در سال ۱۳۳۷ منجر به صدور فتوای جواز عمل به فقه شیعه امامیه از سوی محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر شد.

۳. سید مجتبی میرلوحی معروف به نواب صفوی (۱۳۳۴-۱۳۰۳) گروه فدائیان اسلام را تشکیل داد. در تاریخ ۲۷ دی ماه ۱۳۳۴ توسط مأموران ساواک به شهادت رسید.

۴. مصطفی الحسنی السباعی (۱۹۶۴-۱۹۱۵م) مؤسس شعبه اخوان در سوریه و از حامیان رویکرد تقرب مذاهب بود. سباعی از سال ۱۹۴۵ به بعد اخوان المسلمین سوریه را با همکاری اخوان المسلمین مصر رهبری کرد.





مستحکم میان رهبران اسلامی ایران و اخوان المسلمین می‌دانست (خسروشاهی، ۱۳۹۲ش، ص ۴۰)؛ چراکه خروجی این مناسبات دوستانه و همگرایی دوسویه، وحدت جهان اسلام به نفع همه مسلمانان و تشکیل جبهه گسترده منسجم علیه استکبار جهانی بود که این سیاست راهبردی به سبب ترور حسن البنا تا سالهای بعد عملی نشد.

یکی دیگر از مسائلی که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، پیوند بیشتر جریانهای اسلام‌گرای ایران و مصر را رقم می‌زد ترجمه و نشر آثار اخوان المسلمین از سوی حوزه‌های علمیه مشهد و قم بود که منجر به گسترش اندیشه‌های اخوانیان در میان ایرانیان گشت؛ تا آنجا که برخی از مکتوبات اندیشمندان اخوانی همچون آثار سید قطب^۷ بیش از پنجاه بار در ایران تجدید چاپ شد (خامه‌یار، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳۵). سید علی خامنه‌ای از جمله افرادی است که در این مسیر نقش برجسته‌ای داشتند؛ ایشان با ترجمه دو عنوان از کتب سید قطب با نامهای «آینده در قلمرو اسلام»^۸ و «تفسیر فی ظلال القرآن» نقش مهمی در معرفی او به جامعه مبارزان ایرانی ایفا نمودند. طبیعتاً این اقدامات منجر به اثرگذاری بیشتر اندیشه‌های اسلامی و مبارزاتی اخوانیها میان متفکران و انقلابیون ایران شد. تاریخچه مناسبات جریانهای اسلام‌گرای ایران و مصر پیش از انقلاب اسلامی ایران و در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ به‌خوبی نشان می‌دهد که طرفین به دلیل درک

۷. سید ابراهیم حسین شاذلی قطب مشهور به سید قطب (۱۹۰۶-۱۹۶۶) از اندیشمندان مسلمان مصری که با دیدن مشکلات مختلف اجتماعی و سیاسی آمریکا و دیگر کشورهای غربی، منتقد جدی غرب شد. اشکالات تفکر مارکسیسم نیز باعث شده بود که نسبت به آن نیز موضع منفی اتخاذ کند. سرانجام در دادگاه نظامی مصر به اتهام تلاش برای تغییر حاکمیت، به اعدام محکوم شد.

۸. در مقدمه این کتاب آمده است: «آینده در قلمرو اسلام ترجمه کتاب المستقبل لهذا الدین است که یک بار به سال ۱۳۴۵ در مشهد به چاپ رسید و بلافاصله ممنوع الطبع! اعلام گردید و مولفش، به خاطر داشتن اندیشه‌ای که در این کتاب و کتاب دیگرش «معالم الطریق» چگونگی آن را بیان کرده است، در مصر به دادگاه نظامی عصر ناصری کشیده شد و اعدام گردید و مترجم ارجمند و اندیشمند [آیت الله خامنه‌ای] نیز به خاطر همین اندیشه، در ایران، یا به زندان رفت یا به تبعید و کتاب نیز همچنان جزء آثار ممنوعه باقی ماند» (قطب، بی تا، ص ۳).

متقابل و مناسب، قرارگرفتن در موقعیت اپوزیسیون و بستر مشترک در جوامع خود - از جمله وجود بحرانهای داخلی اعم از عدم مشروعیت رژیم سیاسی سرکوبگر، وجود تبعیضهای سیاسی اقتصادی و عدم توجه نظام‌های سیاسی موجود در ایران و مصر به اسلام و فرهنگ اسلامی - به سمت همگرایی بیشتر و تقویت روابط گام بردارند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، جنبش اخوان المسلمین از جمله اولین نهضت‌های اسلامی بود که پیروزی انقلاب را به امام خمینی تبریک گفت (خسروشاهی، ۱۳۹۲ش، ص ۴۷)؛ حتی بعد از فرار خاندان پهلوی از ایران، نسبت به ورود و حضور محمدرضا پهلوی در مصر مخالفت ورزید و برای شهدای انقلاب اسلامی ایران مراسم یادبود گرفت و از آنان تجلیل نمود (حنفی، ۱۹۸۶م، ص ۸۶) و از این طریق حمایت خود از انقلاب اسلامی ایران را اعلام نمود. در همین راستا اخوان المسلمین مصر به نشر ادبیاتی در جهت حمایت از انقلاب اسلامی ایران پرداخت همچنان که در یکی از این آثار، امام خمینی را به‌عنوان فخر اسلام و مسلمین معرفی کرد (ابراهیم، ۱۳۶۴ش، ص ۱۲). ضمن اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اخوان المسلمین مصر در ایران یک نماینده فکری تحت عنوان «جماعت دعوت و اصلاح» منصوب کرد. البته این روابط حسنه با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و تحریکات دیگر کشورهای مخالف ایران موجب پررنگ شدن تعصبات قومی و مذهبی شد (خامه‌یار، ۱۳۹۰ش، ص ۲۷۰)؛ علاوه بر تأثیرات مخرب اقدامات رژیم بعث عراق برای عربی، عجمی کردن جنگ تحمیلی بر روی رهبران اخوان، عوامل دیگری نیز به این جداییها دامن زدند از جمله آنها عدم درک درست اخوان از فضای سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران بود؛ اما علی‌رغم همه این نکات و با تمام فراز و فرودهایی که در این ارتباط بود، روابط جمهوری اسلامی ایران و اخوان پیش از بیداری اسلامی هیچ‌گاه به طور کامل قطع نشد و مباحث



مشترک، دو طرف به سمت همکاری و تعامل در مسائلی چون مسئله فلسطین سوق می‌داد؛ اما پس از وقوع بیداری اسلامی (۲۰۱۱م) در مصر، روابط ایران و اخوان المسلمین در هاله‌ای از ابهام فرورفت، هر یک از رسانه‌ها با رویکرد و عینکی خاص این مناسبات را بازنمایی، تفسیر و تحلیل می‌کردند.

این مقاله در پی آن است تا کلان روایت‌های رسانه‌های داخلی و خارجی از مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر را پس از وقوع بیداری اسلامی، در چارچوب نظریه برجسته‌سازی

(Agenda-setting Theory) بیان نماید تا مشخص شود کدام روایت با واقعیت‌های خارجی انطباق بیشتری دارد. بدین منظور تلاش شده است تا با مطالعه و بررسی منابع مختلف، دیدگاه رسانه‌ها ذیل سه کلان روایت سازمان‌دهی شوند. به نظر می‌رسد که

تئوری برجسته‌سازی، بیش از سایر نظریه‌های موجود می‌تواند برای بازنمایی روابط ایران و اخوان المسلمین در رسانه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

تئوری برجسته‌سازی، بیش از سایر نظریه‌های موجود می‌تواند برای بازنمایی روابط ایران و اخوان المسلمین در رسانه‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

چارچوب نظری

نظریه برجسته‌سازی در سال ۱۹۷۲م در مطالعات «مکسول مک‌کامبز» (Maxwell McCombs) و «دونالد شاو» (Donald Shaw) در مورد نقش رسانه‌ها در مبارزه انتخاباتی ریاست جمهوری ۱۹۸۶م آمریکا مطرح شد که رسانه‌ها با تأکید بر موضوعاتی خاص، آنها را نزد مخاطبان مهم جلوه می‌دهند، به طوری که این موضوعات در نظر مخاطبان در اولویت قرار می‌گیرند و در عقایدشان اثر می‌گذارد (McCombs & Shaw, 1972, p176).

برجسته‌سازی به معنای اولویت‌گذاری بر برنامه‌ای خاص اطلاق می‌شود اما اصطلاحاً به معنای آن است که رسانه‌های خبری با ارائه برخی خبرها، موضوعهایی را که تمایل دارند تا مردم درباره آنها بی‌اندیشند، تعیین می‌کنند (شاگری، ۱۳۸۴ش، ص ۱۰) به همین سبب،

«ممکن است مطبوعات موفق نشوند به اشخاص بگویند چگونه فکر کنند اما با تأثیر فوق‌العاده‌ای که بر [اذهان] آنها دارند، می‌توانند بگویند به چه چیز باید فکر کنند» (لازار، ۱۳۸۴ش، ص ۸). برجسته‌سازی ادعا می‌کند که مخاطبان تحت تأثیر این برجستگیها قرار می‌گیرند و آنها را به همراه ارزش مشابهی دستور کارهای شخصی خود می‌گنجانند.

پژوهشگران سه سطح را برای عمل برجسته‌سازی در رسانه‌ها مطرح می‌نمایند:

۱- رسانه‌ها به مخاطبان می‌گویند به چه فکر کنند.
۲- رسانه‌ها به مردم می‌گویند در مورد موضوعی خاص چگونه فکر کنند.

۳- برجسته‌سازی میان رسانه‌ای که مثال بارز آن تأثیر اینترنت بر رسانه‌های سنتی است (سورین و تانکاردا، ۱۳۸۴ش، ص ۳۵۶).

در این پژوهش سعی شده تا برای پاسخ به سؤال اصلی، ضمن بررسی اخبار رسانه‌های داخلی و خارجی، گزاره‌هایی را که در هر یک از این رسانه‌ها در خصوص روابط ایران و اخوان برجسته شده‌اند، بررسی و تحلیل شوند.

سه روایت از روابط ایران و اخوان المسلمین پس از بیداری اسلامی

یکی از مهم‌ترین تحولات جهان عرب در قرن ۲۱، وقوع انقلاب مردمی و تغییر رژیم سیاسی در کشورهای مصر، تونس و لیبی است که از آنها به‌عنوان «بیداری اسلامی» تعبیر می‌شود. اعتراضات و راهپیماییهای گسترده مصر در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد که با کناره‌گیری اجباری حسنی مبارک^۹ از قدرت در ۱۱ فوریه همان سال، تمامی اختیارات به شورای

۹. محمد حسنی سید مبارک (۱۹۲۸-۲۰۲۰) چهارمین رئیس‌جمهور مصر که پس از انقلاب ۲۵ ژانویه مصر در سال ۲۰۱۱م از قدرت برکنار شد.



عالی نیروهای مسلح واگذار شد. محمد مُرسی^{۱۰} به نمایندگی از جنبش اخوان المسلمین در انتخابات ماه ژوئن ۲۰۱۲ به عنوان رئیس جمهور مصر انتخاب شد؛ اما حدود یک سال بعد در ۳ جولای ۲۰۱۳ مُرسی با کودتای نظامی فرمانده ارتش مصر برکنار شد. در نهایت با برگزاری یک انتخابات فرمایشی در ۲۸ می ۲۰۱۴ عبدالفتاح السیسی^{۱۱} رئیس جمهور مصر شد (Cockburn, 2016).

پس از وقوع بیداری اسلامی در مصر، انتخاب و سپس عزل محمد مُرسی از قدرت، از یک سو روابط ایران و اخوان پس از تکانه‌های شدید، در هاله‌ای از ابهام فرورفت و از سوی دیگر رسانه‌ها نیز با انتشار مطالب مختلف بر دایره و گستره نقاط مبهم این روابط افزودند. چنانکه برخی رسانه‌های وابسته به رژیم‌های مرتجع منطقه به نقل از دولت نظامی عبدالفتاح السیسی ادعا کردند که دولت اخوانی مُرسی، در جریان همکاری با دولت ایران، اقدام به انتقال غیرقانونی اطلاعات مصر به ایران می‌نموده است (العریبه فارسی، ۲۰۱۹/۱/۱۵م)؛ اما برخی رسانه‌ها از جمله روزنامه عکاظ مدعی شدند «مُرسی در اولین سفر خارجی خود به عربستان در دیدار با ملک عبدالله^{۱۲} با تهدید ضمنی ایران، امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس را خط قرمز قاهره اعلام کرد» (روزنامه عکاظ، ۲۰۱۲م).

مرور صفحات رسانه‌های مجازی، مقالات دانشگاهی، گزارش‌های تحلیلی و مطبوعات گویای آن است که سه کلان‌روایت در مورد مناسبات دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و اخوان المسلمین مطرح است:

۱. **پایان روابط دوستانه ایران و اخوان المسلمین**
اولین روایت در خصوص روابط اخوان المسلمین و جمهوری اسلامی ایران، به قطع یا کاهش سطح روابط ایران و اخوان پس از بیداری اسلامی اشاره دارد. در این روایت گفته می‌شود که پس از پیروزی مُرسی وقتی همگان انتظار روابط مثبت ایران و مصر را پس از سالیان دراز داشتند، مُرسی مسیر متفاوتی را در پیش گرفت که این مسیر نه تنها همگام با ایران نبود؛ بلکه گاهی موضع ضدایرانی و ضد شیعی نیز داشت. اخوان در این برهه به جای برقراری روابط نزدیک‌تر با ایران به دنبال دیگر بازیگران فعال چون آمریکا، عربستان و گروه‌های تکفیری بود (پرنروش، ۱۳۸۳ش، ص ۴۷). به عبارتی اخوان المسلمین در این برهه به دنبال همگرایی بیشتر با آمریکا و عربستان برای تثبیت قدرت خود در مصر بود. اخوان بارها با فعالیتهای مختلف از جمله صدور اعتبارنامه سفیر مصر در سرزمینهای اشغالی، روابط اخوان با تل‌آویو^{۱۳}، پایبندی به پیمانهای دوجانبه، هماهنگی راهبردی با آمریکاییها، انتخاب ریاض به‌عنوان اولین مقصد سفر خارجی موضع ضدایرانی خود را نشان داد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۱ش) و هر روز پلهای ارتباطی بیشتری را با ایران ویران می‌کرد. چنانکه محمد مُرسی در اولین سفر خارجی خود به عربستان در دیدار با ملک عبدالله با تهدید ضمنی ایران، امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس را خط قرمز قاهره اعلام کرد (روزنامه عکاظ، ۲۰۱۲م)؛ در واقع می‌توان گفت که این سفر و موضع‌گیری ضدایرانی مُرسی را نشانه‌ای مبنی بر عدم بهبود روابط دولت اخوانی وی با تهران و تمرکز بر تماس با جهان عرب و اهل سنت تعریف نمود.

پس از سخنرانی محمد مُرسی در میان جمعی از سلفیان علیه فعالیتهای جنبش حزب الله لبنان در سوریه،

۱۰. محمد محمد مُرسی عیسی العیاط (۱۹۵۱-۲۰۱۹) پنجمین رئیس جمهور مصر، که پس از وقوع بیداری اسلامی با رأی مردمی به قدرت رسید.

۱۱. عبدالفتاح سعید حسین خلیل السیسی (۱۹۵۴-) رئیس‌جمهور ششم و فعلی مصر است.

۱۲. ملک عبدالله (۱۹۲۴-۲۰۱۵)، فرزند دوازدهم ملک عبدالعزیز، بنیان‌گذار عربستان سعودی و ششمین پادشاه این کشور از خاندان آل سعود در سالهای ۲۰۰۵-۲۰۱۵ بود.

۱۳. دومین شهر پرجمعیت رژیم صهیونیستی است که در ساحل دریای مدیترانه واقع شده است.

شماری از شیعیان از جمله حسن شحاته^{۱۴} در نیمه شعبان سال ۱۳۹۲ به طرز فجیعی به دست جریانهای سلفی به شهادت رسیدند؛ اما دولت مُرسی در برابر این اقدام هیچ‌گونه عکس‌العملی از خود نشان نداد و هیچ فردی بازداشت نشد (جابر، ۱۳۹۲/۴/۴ ش). در واقع سکوت دولت مُرسی به معنای سیاست جدید اخوان در برابر شیعیان و ایران بود که نشان از عمق نگاه فرقه‌گرایانه رهبران این جنبش داشت.

در عین حال، اوج تیرگی روابط ایران و اخوان مربوط به زمانی است که محمد مُرسی برای شرکت در جنبش عدم تعهد^{۱۵} به ایران سفر کرد. مُرسی در این دیدار از حکومت سوریه به رهبری بشار اسد^{۱۶} انتقاد و آن را حکومتی ظالم توصیف کرد که باید برای براندازی آن، مخالفان، متحد شوند. سخنان مُرسی باعث شد هیئت سوریه، به طور موقت سالن اجلاس را در اعتراض به اظهارات مُرسی، ترک کنند. مُرسی در این اجلاس علاوه بر انتقاد از ایران در جهت حمایت از دولت دمشق در اوج بی‌احترامی با وجود اصرار زیاد از دیدار با مقامات ایرانی خودداری کرد و تنها به ملاقات با محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران بسنده کرد. مُرسی در گامی دیگر در این دیدار برای کسب رضایت تندروان مذهبی، دست به کاری خارج از عرف دیپلماتیک زد و تفاوت‌های مذهبی را به‌عنوان دست‌مایه اهداف سیاسی و رسانه‌ای خود قرارداد. او با تندروی و ذکر نام خلفا به‌جای دعوت به وحدت،

۱۴. حسن بن محمد بن شاحته ابن موسی العنانی (۱۳۲۵-۱۳۲۹) از عالمان حنفی مذهب و استاد دانشگاه الازهر بود که پس از چندی شیعه شد. وی در مسیر ترویج مذهب تشیع و مخالف با جریان وهابیت حرکت خود را ادامه داد و در نهایت نیز توسط گروه‌های تکفیری، به اتهام توهین به صحابه به طرز فجیعی به شهادت رساندند.

۱۵. جنبش غیرمتعهدها یا عدم تعهد یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۱م در اوج جنگ سرد در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی، تأسیس شد و شامل کشورهایی می‌شد که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت نظام جهانی (آمریکا یا شوروی) وابستگی و تعهدی نداشتند.

۱۶. بشار حافظ اسد که پس از پدرش حافظ اسد به عنوان نوزدهمین رئیس‌جمهور سوریه انتخاب شد.

اختلاف و تفاوت مذهبی را به رخ کشید (بیکی، ۱۳۹۶ش، صص ۲۱۸-۲۱۳).

همچنین پس از پیروزی اخوان علی‌رغم اعلام آمادگی ایران برای بازگشایی سفارت در قاهره و عادی‌سازی روابط دیپلماتیک، اخوان از موضع‌گیری شفاف و پاسخ مثبت برای اعلام آمادگی طرفه رفت و حتی به دنبال سوءاستفاده‌گری از ایران برآمد به‌گونه‌ای که به‌صراحت برای این روابط شرط «قطع روابط ایران با دمشق در ازای روابط با قاهره» تعیین نمود (قادری، ۱۳۹۱ش، ص ۶۰). بی‌شک ایران نمی‌توانست با عملکرد متلاطم به دولت اخوانی مُرسی اعتماد کند و مصر را جایگزین دمشق کند.

در حالی که مقامات ایرانی از برقراری روابط مجدد و تبدیل دو کشور به دو متحد استراتژیک سخن می‌گفتند، مقامات دولت اخوانی مصر همچنان با مانع‌تراشی، پیش‌شرط‌های مختلفی را برای از سرگرفتن روابط مطرح می‌کردند. عباس خامه‌یار در مورد نگرانی اخوان از برقراری روابط نزدیک با ایران عنوان می‌کند: «رابطه ما با مصر اعم از جنبه اخوانی آن و جنبه رسمی فعلی یعنی دولت مصر، رابطه پیچیده‌ای است. مصریها به دلیل تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر مصر، نگران رابطه با ایران بودند. به‌رغم تلاش ایران در جهت گسترش روابط، همچنان این روابط محدود است. مصریها همیشه با برگ ایران برای رسیدن به منافع خود با دیگران بازی می‌کردند. در زمان مُرسی، این رابطه تحت تأثیر حوادث منطقه‌ای به‌ویژه تحولات سوریه و لبنان قرار گرفت. مصریها هرگونه تحولی در رابطه با تهران را منوط به حل مسئله سوریه می‌دانستند» (خامه‌یار، ۱۳۹۸ش). وی معتقد است: «اخوان امروز، اخوان یکپارچه‌ای نیست. تشکیلات بین‌المللی اخوان فروپاشیده و اکنون تفکر واحدی در اخوان وجود ندارد. نوعی دگردیسی فکری در اخوان رخ داده که حتی بخشی به سمت





سلفی‌گری رفتند. همه این موارد، بر پیچیدگی تعامل با اخوان افزوده است» (خامه‌یار، ۱۳۹۸ش). برخی نیز با اشاره به پایبندی مُرسی به قراردادهای رژیم حسنی مبارک با رژیم صهیونیستی همچون قرارداد کمپ دیوید^{۱۷}، حواشی سفر مُرسی به تهران، استفاده از نیروهای سلفی برای اداره کشور، حمایت از عربستان در برنامه‌های ایران‌هراسی‌اش، بی‌اثر نمودن فعالیت‌های دهه‌های گذشته جامعه الازهر و حوزه علمیه قم در جهت تقرب مذاهب عنوان می‌کنند که هیچ‌گونه اراده‌ای از سوی دولت مُرسی برای تقویت مناسبات دوجانبه با ایران وجود نداشت و سیاست مُرسی در امتداد سیاست‌های گذشته مبارک حتی با غلظت بیشتر در مسائل ایدئولوژیک بود (احمدزاده، ۱۳۹۲ش).

در این روایت تلاش شده با برجسته‌سازی سه مؤلفه که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد روابط ایران و اخوان امروز را قطع یا محدود تعریف کند. تجربه تلخ ایران از ارتباط با اخوان‌المسلمین در برهه دولت مُرسی سبب شد تا امروز ایران به اخوان‌المسلمین نزدیک نشود یا روابط‌اش را در سطح محدود نگه دارد. اخوان پس از کناره‌گیری از قدرت در موضع ضعف قرار گرفت، بنابراین از برقراری روابط گسترده با قدرتهای مختلف از جمله ایران ناتوان است.

اخوان پس از برکناری از قدرت در موضع ضعف قرار گرفته، بنابراین نمی‌خواهد با گام‌های بلند در ارتباط با ایران دیگر بازیگران قدرتمند را چون آمریکا و عربستان از دست دهد.

۲. دشمنان ظاهری، دوستان پشت پرده

روایت دوم بیان می‌کند که علی‌رغم خصومت ظاهری میان جمهوری اسلامی ایران و اخوان‌المسلمین، این دو به طور پنهانی روابط حسنه و عمیقی دارند که

۱۷. پیمان کمپ دیوید اولین پیمان سازش میان طرفین جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی بود. انور سادات اولین رئیس یک کشور عربی بود که به روند سازش با صهیونیستها و به رسمیت شناختن این رژیم اقدام کرد. وی حدود ۳ سال بعد در هنگام بازدید از یک رژه نظامی توسط گروه جهاد اسلامی مصر کشته شد.

پس از برکناری مُرسی این همگرایی همچنان ادامه یافته و در حال توسعه نیز است. چنان‌که شبکه خبری «ایرادیکالیزیشن» (eeradicalization) در گزارشی با عنوان «ایران و اخوان‌المسلمین؛ ریشه‌های مشترک» بیان نمود که اخوان در دوره مُرسی، روابط مصر با ایران را بهبود بخشید و برای اثبات این ادعای خود به سفرهای محمد مُرسی به ایران و احمدی‌نژاد به مصر اشاره دارد (Amr, 2019/6/5). فارغ از حواشی این سفرها می‌توان از منظر دیگری حضور مُرسی در ایران توجه کرد که در هر حال، این دیدار تابوی قطع روابط مصر با ایران را پس از ۳۴ سال شکست. گزاره دیگری که این روایت را تقویت می‌نماید، آن است که «پس از برکناری مُرسی، مقامات ایران با محمدعلی بشر^{۱۸}، یکی از اعضای اداره ارشاد اخوان تماس گرفتند» (بدوی و الصیاد، ۲۰۱۹، ص ۱۰). همچنین وب‌سایت «اینترسپت» در سال ۲۰۱۹م گزارشی با عنوان «نیروی قدس ایران و اخوان‌المسلمین ائتلافی علیه عربستان سعودی در نظر دارند» منتشر نمود و ادعا کرد که در سال ۲۰۱۴م برخی از اعضای سپاه قدس به نمایندگی از قاسم سلیمانی با سران اخوان در ترکیه با هدف تشکیل ائتلافی علیه عربستان دیدار کردند (Risen, 2019/11/18).

در همین راستا، سایت الوطن نیز با اشاره به دوران مسئولیت محمد مُرسی نوشت: «در این دوره ایران با حمایت از اقتصاد مصر به‌ویژه برنامه‌ها این کشور برای ترویج گردشگری مصر در بین ایرانیان، تأمین نفت و فعال‌کردن قراردادهای تجاری مختلف، به دنبال تقویت روابط با اخوان برآمد. از آن‌سو مُرسی، دیپلماسی مصر را به نفع ایران در رویارویی با جامعه بین‌المللی بر سر برنامه هسته‌ای تهران هدایت کرد» (الوطن، ۲۰۱۲/۹/۷م). علاوه بر این در روایت دوم مطرح می‌شود که حماس و جهاد اسلامی به‌عنوان دو جنبش فلسطینی با تفکرات اخوان، در حال حاضر

۱۸. محمد علی بشر، از چهره‌های برجسته اخوان‌المسلمین در مصر است.

نزدیک‌ترین رابطه را با جمهوری اسلامی ایران دارند. همچنین در برخی رسانه‌ها با هدف ایران‌هراسی چنین عنوان می‌شود که ایرانیان در آینده می‌توانند دیگر شاخه‌های اخوان را نیز به خود جذب کنند، این در حالی است که برخی از شاخه‌های اخوان، رویکردی تکفیری دارند و کاملاً مسیر متفاوتی از ایران را در پیش گرفته‌اند؛ ضمن آنکه بارها اخوانیها اعلام کرده‌اند که خط و مشی مبارزاتشان با ایران متفاوت است. یکی دیگر از نکاتی که در این روایت تأکید می‌شود ادامه اعتراض مقامات جمهوری اسلامی ایران به سقوط ناحق دولت مُرسی و ممنوعیت فعالیت اخوان المسلمین در مصر است.

دو مستند تلویزیونی به زبان عربی با نامهای «دشمنان ظاهری، دوستان پنهانی» و «چگونه اخوان راه را برای سلطه ایران بر کشورهای عربی باز می‌کند» منتشر شد که پس از اشاره به تاریخچه روابط ایران و اخوان به نتایج این اتحاد از جمله برگزاری همایش اسلامی در تهران، انتشار و ترجمه کتابهای سید قطب پرداخت (حفریل، ۲۰۲۰/۴/۳). در این مستند عنوان شده است که در جریان جنگ سال ۲۰۰۶م اسرائیل و حزب الله لبنان، اخوان و ایران جانب حزب الله را گرفتند در حالی که دول عربی خواستار توقف جنگ بودند. در همین سال جنبش حماس بر غزه مسلط شد؛ لذا ایران به حمایت از این جنبش روی آورد.

در این روایت ادعا می‌شود که در سال ۲۰۰۹م حکومت مصر اعلام نمود گروهی از کسانی که با جنبش حزب الله لبنان ارتباط داشته‌اند را دستگیر کرده است؛ در همین هنگام اخوانیان در جهت حمایت از حزب الله به خیابانهای ریختند و ناآرامیها علیه حکومت افزایش یافت (ایلاف، ۲۰۰۹/۲/۱۱) تا اینکه در سال ۲۰۱۳م مُرسی به قدرت رسید و ایران و مصر پس از سالیان دراز روابط خود را از سر گرفتند. سایت عربی «العین الأخباریه» ضمن گزارشی با عنوان «ایران و اخوان؛ آیا روابط مخفیانه ایران و

اخوان در معرض دید عموم است» در خصوص علت مبهم بودن روابط ایران و اخوان می‌نویسد: اخوان خود را یک جنبش سلفی سنی بنیادگرا معرفی کرد، از این رو از حمایت اسلامی عربی برخوردار شد؛ لذا نمی‌توانست موضع واقعی خود را در قبال ایران اعلام کند؛ پس به اصل تقيه متوسل شد چرا که در ظاهر حمایت خود را از اهل سنت اعلام کرد و در خفا با ایران طرف شد. هوایمای اخوان سومین هوایمایی بود که در تهران پس از پیروزی انقلاب به هدف تبریك و اعلام همکاری با ایران فرود آمد (العین الأخباریه، ۲۰۲۲/۵/۸). این سایت عربی ادعا می‌کند: «امروز با محدودشدن اخوان از سوی ترکیه،

ایران نمی‌تواند به‌عنوان مقر بعدی اخوان باشد چرا که اخوان مزیت خود را به‌عنوان یک گروه سنی بنیادگرا از دست می‌دهد و با جوامع عربی دشمن می‌گردد و نقش کارکردی خود در جوامع عربی و تسلط بر افکار نسل جدید و آماده‌سازی کشورها برای کنترل ایران بر آنها را از دست خواهد داد». درواقع وب‌سایت العین نیز با اشاره به تاریخچه روابط ایران و اخوان به دنبال برجسته‌سازی این امر است که اخوان دست پنهانی ایران در کشورهای عربی است؛ لذا ایران و اخوان هیچ‌گاه نمی‌خواهند با رسمی نمودن روابط خود هدف اصلی خود مبنی بر تسلط بر جهان اسلام را تهدید کنند و با حفظ ابهام روابط خود، قدرتها را سردرگم می‌نمایند در حالی که در پشت صحنه دوستی عمیق خود را در طول این سالها حفظ کرده‌اند.

وب‌سایت ترامپت (trumpet) در مطلبی با عنوان «افشا شد: مشارکت ایران با اخوان المسلمین، چگونه این اتحاد اسلامی رادیکال وقایع جهان را تغییر خواهد داد» می‌نویسد: «پس از جلسه ایران و اخوان در ترکیه شبه‌نظامیان حوثی به خاری در چشم سعودیها تبدیل شده‌اند». سپس این وب‌سایت به ائتلاف ایران و سودان برای اخراج آمریکا از آفریقا و خاورمیانه، نزدیکی روابط ایران و اخوان در دوران مُرسی، اهداف مشترک





ایران و اخوان چون نابودی اسرائیل و ایجاد دولت اسلامی اشاره کرده و می‌نویسد: علی‌رغم مخالفت علنی اخوان با تاکتیک‌های ایران و تأکید بر نفوذ سیاسی از طریق انتخابات، ایران اخوان را به‌عنوان شریک ایده‌آل سنی برای کنترل شمال آفریقا می‌داند و اکنون که اخوان منتظر ظهور مجدد است، مشارکت ایران و اخوان پشت درهای بسته ادامه دارد. وب‌سایت ترامپت با بیان اوضاع نامناسب شمال آفریقا اشاره کرد در حالی که غرب هیچ برنامه در جهت رفع این مشکلات ندارد، ایران از این مشکلات در جهت توسعه قدرت خود استفاده می‌نماید. تحولات اخیر نشان می‌دهد که ایران به‌زودی به‌نوعی کنترل بر شمال آفریقا به‌عنوان بخشی از استراتژی خود برای کنترل تجارت بین‌المللی از طریق دریای سرخ خواهد رسید؛ بنابراین تلاش می‌کند تا مشارکت خود با اخوان را ادامه دهد. زمانی که ایران این کنترل را به دست آورد، فروپاشی اقتصادی و جنگ جهانی دور از دسترس نیست. در این گزارش تلاش شده با برجسته‌سازی اتحاد ایران با کشورهای شمال آفریقایی از طریق اخوان و ایران‌هراسی، به دوئل‌های غربی در خصوص شکل‌گیری یک جریان اسلامی رادیکال به رهبری ایران علیه غرب هشدار دهد (Reinsch, 2019).

سایت «ایرادی‌کالیزیشن» نیز در گزارشی با عنوان «اتحاد اسلام سیاسی ایران و اخوان‌المسلمین» با اشاره به تاریخچه روابط ایران و اخوان و تأکید بر جلسه ترکیه مدعی شده است که علی‌رغم تشدید شکاف‌های فرقه‌ای اخیر در خاورمیانه، ایران و اخوان با یکدیگر اشتراکات بیشتری نسبت به عموم مسلمانان دارند که پس از یک دوره آشفتگی سعی در ایجاد و بازسازی حالت عادی دارند، قطعاً اشتراکات آنها بیشتر از غرب است؛ لذا پتانسیل همکاری بالا است و سیاست‌گذاران باید این نکته را در هنگام تدوین استراتژی برای مهار رژیم ایران و اخوان در نظر گیرند (ایرادی‌کالیزیشن، ۲۰۱۹/۹/۶م).

اکثر وب‌سایت‌های خارجی که بر روایت دوم تأکید دارند برای اثبات ادعای خود به مواردی چون ترجمه کتب و آثار سید قطب توسط آیت الله سید علی خامنه‌ای، حمایت‌های محمدمهدی عاکف مرشد عام اخوان از شیعه و برنامه‌های هسته‌ای ایران، ملاقات سران ایران و اخوان در ترکیه و... اشاره می‌کنند و در نهایت مطرح می‌کنند چنانچه روابط ایران و اخوان ادامه یابد آنها به یک قدرت خطرناک تبدیل می‌شوند و چنانچه امروز از این خطر جلوگیری نشود فردا غیرممکن خواهد بود لذا شایسته است از هرگونه تلاشی برای متوقف نمودن این اتحاد استفاده کرد. در ادامه به مؤلفه‌هایی که در این روایت برجسته شده‌اند اشاره می‌شود:

شباهت‌های ایدئولوژیکی ایران و اخوان سبب شده تا از دیرباز ایران و اخوان با یک دیگر روابط عمیقی داشته باشند و امروزه نیز در زمینه‌های مختلف باهم اتحاد همکاری دارند.

دشمنان مشترک ایران و اخوان در منطقه چون عربستان و اسرائیل و آمریکا سبب شده تا با یکدیگر متحد شوند.

ایران به جهت شیعه بودن و مشکلاتی که با جهان عرب دارد، نیازمند یک رابط در میان جهان اهل سنت است لذا به حمایت از اخوان روی آورده است و اخوان نیز راه را برای تسلط ایران به جهان اسلام باز می‌کند.

۳. ادامه مناسبات؛ تدریجی، محتاطانه و کم‌رنگ

در روایت سوم بیان می‌شود که ایران و اخوان دو قدرت مجزا از هم هستند که در حال حاضر به سبب روابط تلخ گذشته از گسترش روابط خود نگران‌اند لذا تلاش می‌کنند در روابطشان محتاطانه‌تر عمل نمایند. چنان‌که در مقاله «انتظارات ناسازگار: ایران و اخوان‌المسلمین پس از قیام‌های عربی» آمده است: «هنگامی که مرسی به قدرت رسید تماس‌های رسمی بین قاهره و تهران افزایش یافت اما مرسی مجبور

شد به ارتش و متحدان سنتی مصر توجه کند، لذا او در تنها سال ریاست جمهوری خود نشان داد تمایلی به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با ایران ندارد. در عوض، رویکرد تدریجی‌تری را برای گرم کردن روابط با ایران در پیش گرفت؛ چراکه هر دو به‌رغم شکاف‌های شیعه و سنی منافعی را در ایجاد روابط با یکدیگر می‌دیدند» (بدوی و الصیاد، ۲۰۱۹م، ص ۳). همین مقاله اشاره دارد برای ایران، دستیابی به اخوان سرمایه‌گذاری کم‌هزینه‌ای است که می‌تواند به گسترش نفوذ خود در منطقه کمک کند. ایران در طول تاریخ برای جذب متحدان و تقویت قدرت خود از رویکرد پایین به بالا استفاده کرده است و بر ایجاد روابط با بازیگران غیردولتی، از جمله گروه‌های اسلام‌گرا متمرکز شده است؛ لذا ایران اخوان را پلی برای بهبود روابط خود با گروه‌های اسلام‌گرای اهل سنت می‌داند و با توجه به گستردگی روابط اخوان، این جنبش می‌تواند مدافع منافع ایران در منطقه باشد همچنین در این مقاله بیان شده است که برای اخوان داشتن ارتباط با ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای که ایدئولوژیهای مشابهی با اخوان دارد مفید است تا از این رابطه به‌عنوان اهرم فشاری بر دیگر بازیگران خاورمیانه استفاده کند. از طرفی هم رابطه با ایران برای تقویت نقش رهبری انتصابی اخوان در ترویج وحدت اسلامی در سراسر جهان و حفظ روابط خوب با ایران با توجه به جایگاه ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای ضروری است. حتی به‌تصویرکشیدن یک چشم‌انداز مثبت در رابطه با ایران می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای گرفتن امتیاز از قدرتهای مخالف تهران مانند عربستان و امارات باشد (بدوی و الصیاد، ۲۰۱۹م، صص ۷۰۶).

برنامه‌ریزی بلندمدت با ائتلافهای مختلف چون تهران می‌شود از طرفی هم اخوان در حال حاضر از دست‌کاری بازیگران قدرتمند مانند ایران محتاطانه عمل می‌کند. ایران نیز به دلیل محدودیتهای مالی ناشی از تحریمهای آمریکا و تداوم خصومت با جهان عرب به سبب نقشش در سوریه نمی‌تواند به اخوان کمک کند و به سبب حوادث دوران مرسی با احتیاط رابط با اخوان را دنبال می‌کند، به این امید که روزی این سازمان بتواند به ایران خدمت کند. از آن سو اخوان نیز تلاش می‌کند برای ظهور مجدد خود همه گزینه‌های را در بازی نگه دارد. چشم‌انداز انزوای طولانی‌مدت می‌تواند محاسبات اخوان را تغییر دهد و به نزدیکی با تهران دامن بزند این امر چون گذشته بستگی به اولویتهای استراتژیک طرفین دارد. در حال حاضر، رابطه آنها با انتظارات ناهماهنگ تعریف می‌شود (بدوی و الصیاد، ۲۰۱۹م، ص ۱۰).

در همین راستا وب‌سایت «اینترسپت» می‌نویسد: «سازمانهای اخوان و نیروی قدس دو قدرت جدا از هم هستند. نیروی قدس از قدرت خود برای گسترش نفوذ ایران در سراسر خاورمیانه استفاده می‌کند در مقابل، اخوان نیز یک بازیگر کلیدی در میان اهل سنت است که رویکرد بنیادگرا اسلامی خود را در نبردی طولانی علیه دولتهای خودکامه حفظ کرده است». در این گزارش با اشاره به خبر ملاقات مسئولین نیروی قدس سپاه با جنبش اخوان‌المسلمین بیان شده است: هنگامی که این نشست برگزار شد رؤیای بهار عربی به یک کابوس تبدیل شده بود؛ چراکه با سرنگونی دولت مرسی، در مصر یک دیکتاتوری جدید مستقر شده بود، به همین سبب احتمالاً اخوان اتحاد با ایران را فرصتی برای بازیابی قدرت خود در منطقه می‌دانسته است. اینترسپت در گزارش خود بر این مسئله تأکید دارد که علی‌رغم روابط اخوان و ایران، این دو در ارتباط با یکدیگر ملاحظاتی دارند که بنا بر شرایط باهم همسو و یا در خلاف جهت یکدیگر عمل می‌کنند لذا می‌توان





روابط آنها را چنین توصیف کرد که در سطوح راهبردی و کلان، اشتراک منافع و مواضع فراوانی دارند؛ اما در حوزه عمل و اقدام سیاسی الزاماً مشابه یکدیگر کنش ندارند (Risen, 2019/11/18).

طبق گزارش وبسایت عربی «الشرق للأبحاث الاستراتيجية» با عنوان «ایران و اخوان المسلمین مصر: گرایشی به سمت توسعه روابط یا صرفاً اصلاح آنها؟» پس از وقوع انقلابهای عربی در منطقه، ایران با ورود در بحران سوریه تصویری منفی از خود ترسیم کرد. ایران در تلاش است با استفاده از دستاوردهای ژئوپلیتیک خود شبکه‌های ارتباطی با جوامع عربی - سنی ایجاد کند تا تصویر خود را بهبود بخشد؛ لذا شبکه‌های اخوان، هدف اصلی این دیپلماسی ایران است که بازیگران غیردولتی کشورها را هدف قرار می‌دهد (الشرق للأبحاث الاستراتيجية، ۲۰۲۱/۴/۲۱).

در این گزارش آمده است که ایران انتظار داشت پس از انقلاب ۲۰۱۱م مصر با توجه به تاریخچه عمیق روابط ایران و اخوان، روابط قاهره و تهران نیز توسعه یابد؛ اما دولت مُرسی نتوانست رضایت ایران را جلب کند؛ چراکه اخوان المسلمین برای ایجاد هرگونه تغییر اساسی در سیاست خارجی مصر تردید داشت و به تهدید دیگر بازیگران منطقه چون عربستان تمایل نداشت (الشرق للأبحاث الاستراتيجية، ۲۰۲۱/۴/۲۱).

در همین گزارش ادعا شده است که با افزایش شکاف در میان جناحهای مختلف اخوان المسلمین مصر، ایران خطوط ارتباطی جدیدی را با جناحهای در حال ظهور اخوان آغاز کرد. هر یک از این جناحها دیدگاه متفاوتی در مورد ارتباط با تهران اتخاذ کردند. بدنه قدیمی اخوان در ارتباط با ایران محافظه‌کارتر عمل نمود، جناح معتقد به مبارزات مسلحانه در ارتباط با ایران آمادگی بیشتر را اعلام کرد و جناح میانه موضعی حد وسط اتخاذ نمود (الشرق للأبحاث الاستراتيجية، ۲۰۲۱/۴/۲۱).

به تعبیر دیگر، در روایت سوم، گرچه الزامات راهبردی

دوسویه موجب شده است تا جمهوری اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر همچنان برای حفظ و گسترش روابط دوجانبه مشتاق باشند؛ اما این اشتیاق به تجدید مناسبات و تقویت روابط، با موانع و مشکلات مهمی مواجه است. از یک سو به سبب روابط تلخ گذشته، چالشهای فعلی در روابط دوجانبه و ابهام در مورد نقش آینده اخوان در مصر، تهران تلاش خواهد کرد تا برای احیای روابط با حساسیت بیشتری عمل کند و از سوی دیگر اخوان المسلمین هم که در مورد نقش آفرینی ایران در حمایت از سوریه - به عنوان بخشی از محور مقاومت با تردیدهایی روبرو است، ملاحظاتی را در نظر دارد. به همین خاطر توسعه روابط ایران و اخوان تدریجی، آرام و محتاطانه خواهد بود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، در این روایت مولفه‌های ذیل برجسته شده است:

۱- ایران و اخوان دو قدرت مستقل و مجزا می‌باشند که از روابط عمیق و شباهتهای ایدئولوژیکی برخوردارند؛ همین امر باعث شده دیگر کشورها از اتحاد آنها احساس خطر کنند.

۲- حوادث دوران مُرسی و عدم موضع شفاف و مشخص مُرسی در ارتباط با ایران باعث شد تا ایران در برقراری ارتباط با اخوان در حال حاضر احتیاط نماید.

۳- اخوان چون در حال حاضر در موضع قدرت نیست سعی می‌کند برای بازگشت دوباره به قدرت همه ظرفیتهای و کارتهای خود را در بازی نگه دارد و از هریک به هنگام لزوم استفاده کند؛ بنابراین مایل نیست تا به خاطر داشتن ارتباط مستقیم ایران، حمایت دیگر دولتهای حامی خود را از دست دهد.

۴- هر دو جبهه در روابط باهم ملاحظاتی دارند که اشتراکاتشان منجر به در نظر نگرفتن تفاوتهاشان نمی‌شود بلکه باعث می‌شود به تا به مرور برای رسیدن به اهداف خود با هم متحد، همسو و هم جهت شوند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که روابط جمهوری اسلامی ایران و اخوان المسلمین مصر پس از وقوع بیداری اسلامی چگونه بوده است و کدام‌یک از روایت‌های مطرح شده به شکل بهتری این رابطه تبیین می‌نماید؟ به منظور پاسخ به این سؤال اصلی، با استفاده از نظریه برجسته‌سازی، سه کلان‌روایت مطرح شده در مورد مناسبات جمهوری اسلامی با جنبش اخوان المسلمین تبیین شد. پس از بیان تاریخچه مختصر از روابط گذشته ایران و اخوان، در روایت اول به گزاره‌هایی استناد شد که در نهایت گزینه قطع و یا کاهش سطح روابط ایران و اخوان المسلمین را پس از بیداری اسلامی ترسیم می‌نمودند؛ اما در روایت دو از مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جنبش اخوان، عنوان گردید که به‌رغم حواشی و برخی اظهارات مغرضانه (به‌ویژه از سوی عناصر اخوان)، جمهوری اسلامی و این جنبش اسلام‌گرای مصری دارای پیوندهای دوستانه پنهانی عمیقی هستند که در ضمن یک اتحاد راهبردی، به دنبال تسلط بر جهان اسلام هستند. روایت سوم با تخطئه دو روایت پیشین، جمهوری اسلامی ایران و اخوان المسلمین را دو قدرت کاملاً مستقل از یکدیگر تعریف می‌کند که ضمن تفاوت‌ها دارای نقاط اشتراک فراوانی هستند که در بحرانها، با تأکید بر اهداف مشترک، با یکدیگر متحد می‌شوند. گزاره‌ها و مستندات تاریخی و رسانه‌ای گواه آن است که از میان سه روایت مذکور، تبیین سوم قرابت بیشتری با واقعیت‌های خارجی دارد. چرا که همچنان رویکردهای وحدت‌گرایانه، هم‌افزایی و همگرایی با جنبش‌های اسلام‌گرای ضدصهیونیستی و ضداستکباری از سوی جمهوری اسلامی دنبال می‌شود و در همین چارچوب مقامات تهران، با علم به ظرفیت‌های اخوان المسلمین به دنبال قطع روابط با این جنبش نیستند. درعین حال اقدامات اخوان در برهه زمانی مسئولیت محمد مُرسی





استمرار مناسبات، با درک بیشتر اقتضائات دوجانبه، محتاطانه‌تر و با دقت بیشتری گام بردارند. البته یکی از متغیرهای مداخله‌گر در این روابط نقش بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای است که در فراز و نشیب مناسبات دوجانبه ایران و اخوان دخیل هستند. از آن

کتابنامه

- ابراهیم، عزیزالدین (۱۳۶۴ش). *السنة و الشيعة ضجة مفتعلة*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- احمدزاده، داوود (۱۳۹۲ش). طرح اتهام همکاری امنیتی اخوان المسلمین با ایران: دلایل و پیامدها. مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: <https://tisri.org>
- این‌دین‌دنت العربیه (۲۰۱۹م). لقاء الفرصة الوحيدة ... «الإخوان» تؤكد صحة الوثائق الإيرانية المسربة. <https://www.independentarabia.com>
- بدوی، تامر، و الصیاد، اسامه (۲۰۱۹م). توقعات غیر متطابقتی: ایران و جماعة الإخوان المسلمین غداة الانتفاضات العربیة. <https://carnegie-mec.org>
- بیکی، مهدی (۱۳۹۶ش). *آسیب شناسی روابط جمهوری اسلامی ایران و جنبش اخوان المسلمین*، با تأکید بر اخوان المسلمین مصر (رساله دکتری). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- پرندوش، پوریا (۱۳۸۳ش). *منطق و الگوی رفتاری جمهوری اسلامی ایران در بازسازی رابطه با اخوان المسلمین*. مطالعات راهبردی جهان اسلام، (۲۰).
- جابر، محمود (۱۳۹۲ش). نقش الازهر در ذبح شهید حسن شحاته به نقل از شاهی عینی (گفتگوی محمود جابر با رسا). خبرگزاری مشرق: <https://www.mashreghnews.ir>
- الجزیره (۲۰۱۹م). جماعة الإخوان تعترف بلقائنها مسؤولين إيرانيين و تنفی العمل ضد السعودیة. <https://b2n.ir>
- حفریل (۲۰۲۰م). *إيران و الإخوان المسلمین ...*
- الجدور المشتركة. <https://b2n.ir>
- حنفی، حسن (۱۹۸۶م). *الحركات الإسلامية فی مصر*. قاهره: المؤسسة الإسلامية.
- خادمی، محمد (۱۳۹۱ش). بررسی چرایی اقدامات عربستان علیه اخوان المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری مصر. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح: <http://peace-ipsc.org>
- خامه یار، عباس (۱۳۹۰ش). *اخوان المسلمین؛ عوامل همگرایی و واگرایی*. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
- همو (۱۳۹۸ش). رابطه با اخوان المسلمین؛ در کنار پیامدها، فرصتها را هم ببینیم (مصاحبه با عباس خامه یار). خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲ش). *اخوان المسلمین و ایران در گذر تاریخ*. فرهنگ اسلامی، (۲۱).
- دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۱ش). *مُرسی اعراب را بر ایران ترجیح می‌دهد*. <http://www.irdiplomacy.ir>
- روزنامه عکاظ (۲۰۱۲م). *مُرسی: امنیت کشورهای خلیج فارس خط قرمز مصر است* (مصاحبه مُرسی با روزنامه عکاظ). خبرگزاری فارس: <http://www.farsnews.com>
- سورین، ورنر جوزف، و تانکار، جیمز دبلیو (۱۳۸۴ش). *نظریه‌های ارتباطات* (ترجمه علیرضا دهقان). تهران: دانشگاه تهران.
- شاکری، مجتبی (۱۳۸۴ش). *رسانه‌های جمعی و*

- انتخابات ریاست جمهوری. قم: مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.
- الشرق للأبحاث الاستراتيجية (۲۰۲۱م). ایران و جماعة الإخوان المسلمين المصرية: اتجاه نحو تطوير العلاقات أم مجرد إصلاحها؟. <https://b2n.ir>
- العربية فارسی (۲۰۱۹م). دادستانی مصر: مُرسی برای سپاه پاسداران جاسوسی می‌کرد. <https://farsi.alarabiya.net>
- العربية (۲۰۱۹م). تعاون ایران و الإخوان فی تركيا ضد السعودية. <https://b2n.ir>
- العين الأخباریه (۲۰۱۶م). علاقه الإخوان المسلمين بإيران: تنسيق أمني و سياسي و دعم مالي. <https://al-ain.com>
- الغنوشي، راشد (۱۹۸۱م). الثورة الإيرانية ثورة إسلامية. المعرفة، ۵(۳).
- فرانس ۲۴ (۲۰۱۰م). أحكام مشددة بالسجن على أعضاء خلية «حزب الله» في مصر. <https://www.france24.com>
- قادری، علی (۱۳۹۱ش). موضع ایران در قبال اخوان المسلمین مصر چیست؟. پایگاه عصر ایران.
- قطب، سید (بی تا). آینده در قلمرو اسلام (ترجمه سید علی خامنه‌ای). قم: هجرت.
- لازار، ژودیت (۱۳۸۴ش). افکار عمومی (ترجمه مرتضی کتبی). تهران: نی.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۶ش). جریان شناسی تفکر سیاسی در جهان اسلام. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میدل ایست نیوز (۲۰۱۹م). معاون رهبر اخوان المسلمین تأیید کرد: در ترکیه با مقامات ایرانی دیدار کردیم. <https://mdeast.news>
- الوطن (۲۰۱۲م). أبعاد زيارة محمد مرسی الى ایران. <https://b2n.ir>
- Amr, Mohammed (2019). Iran's Islamic Republic and the Muslim Brotherhood, eeradicalization. <https://eeradicalization.com>
- Cockburn, Patrick (2016). The Arab Spring, five years on: A season that began in hope, but ended in desolation. <http://www.independent.co.uk>
- Risen, James (2019). Iran's Quds Force and the Muslim Brotherhood Considered an Alliance Against Saudi Arabia. <https://theintercept.com>
- Reinsch, Warren (2019). Leaked: Iran's Partnership With the Muslim Brotherhood. <https://www.thetrumpet.com>
- McCombs, Maxwell E. & Shaw, Donald L. (1972). The Agenda-Setting Function of Mass Media. *The Public Opinion Quarterly*, 36(2), 176-187.

